

بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر ایجاد قدرت طلبی مدیران با توجه به رشد نرخ موثر مالیات در شرکتهایی با حکمرانی و نظارت ضعیف

مجید بلوچی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۷ تاریخ چاپ: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹

چکیده

با توجه به مطالعه سیدشمس و همکارانش در سال ۲۰۲۳، برخی از مدیران شرکت‌ها در این تصور هستند که با اجتناب از پرداخت مالیات می‌توانند قدرت طلبی مدیریتی را ایجاد نمایند؛ اما این احتمال وجود دارد که آنها از عملکرد بلندمدت نتایج آن بی‌خبرند و طبق دیدگاه خود قدرت طلبی را در اجتناب از پرداخت مالیات میدانند که در شرکتهای مختلف با توجه به رشد نرخ موثر مالیات متفاوت است؛ سیدشمس و همکارانش به موضوع فوق پرداخته‌اند از این رو تلاش می‌شود تا در این مطالعه نیز فرضیات آنها را مورد سنجش قرار دهد. جهت تحلیل فرضیه‌های پژوهش، جامعه آماری را از بین سال‌های ۱۳۹۶ الی ۱۴۰۱ و به مدت ۶ سال انتخاب نموده و شامل شرکت‌های بورسی بوده‌اند که نمونه آماری با روش حذفی و به تعداد ۱۲۸ شرکت انتخاب شد. روش پژوهش مورد استفاده نیز، روش توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌های پژوهش از نوع تاریخی با مراجعه به صورت‌ها و گزارشات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران جمع‌آوری و طبقه‌بندی گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌های آماری از روش داده‌های پانل دیتا استفاده شد؛ و در بخش تجزیه و تحلیل از آمار توصیفی و استنباطی و آزمون‌های مختلف مربوطه انجام گردید و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار Eviews نسخه ۹ صورت گرفت. با توجه به تحلیل مدل رگرسیونی، نتایج تحلیل نشان می‌دهد، فرضیه اصلی مورد تأیید قرار گرفت و مشخص شد که اجتناب از پرداخت مالیات بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی با توجه به رشد نرخ موثر مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ بنابراین، مدیران شرکت‌ها می‌بایست برای ایجاد قدرت طلبی مدیریتی به اجتناب مالیاتی در کوتاه مدت توجه نمایند و این اثرگذاری در شرکتهای دارای حکمرانی ضعیف، با مکانیسم نظارتی ضعیف، دارای قدرت مدیرعامل یا مدیر اجرایی و شرکتهای دارای مسئولیت اجتماعی ضعیف بیشتر به چشم می‌خورد چون جهت ایجاد قدرت طلبی تمایل به اجتناب مالیاتی دارند.

واژگان کلیدی

اجتناب از پرداخت مالیات، قدرت طلبی مدیریتی، حکمرانی ضعیف، مکانیسم نظارتی، مسئولیت اجتماعی ضعیف، نرخ موثر مالیات

* نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

(Baloochi.majid@gmail.com)

مقدمه

با انجام یک تحلیل عاملی بر روی چهار پروکسی ایجاد قدرت طلبی مدیریتی محبوب مورد استفاده در ادبیات، یک اندازه گیری ترکیبی ایجاد قدرت طلبی مدیریتی ساختند. آنها یک ارتباط مثبت بین این معیار ترکیبی و چهار شاخص مورد استفاده برای نشان دادن اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در نمونه پیدا کردند. همانطور که نتایج آنها نشان می‌دهد، مشکلات نمایندگی بر شرکتهایی تحمیل می‌شود که از استراتژیهای اجتناب از مالیات استفاده می‌کنند که به نوبه خود، استخراج رانت مدیریتی را از طریق پرخاشگری در رشد و انباشت داراییها تسهیل می‌کند. علاوه بر این، رابطه اجتناب از مالیات شرکتی با ایجاد قدرت طلبی مدیریتی در شرکت‌هایی با حکمرانی ضعیف، مکانیسم‌های نظارت ضعیف، قدرت مدیر ارشد اجرایی (مدیرعامل) بیشتر و عملکرد ضعیف مسئولیت اجتماعی شرکتی^۱ (CSR) بارزتر است. آنها دریافتند که اجتناب مالیاتی با انگیزه ایجاد قدرت طلبی مدیریتی منجر به کاهش ارزش شرکت می‌شود. نتایج آنها حتی در صورت استفاده از چندین تست استحکام غیر حساس باقی می‌ماند (سیدشمس و همکاران^۲، ۲۰۲۳). همانطور که در ادبیات مربوط به انگیزه‌های اجتناب مالیاتی بحث شده است، فرصت طلبی مدیریتی می‌تواند با اجتناب مالیاتی شرکتها تشدید شود (رگو و ویلسون^۳، ۲۰۱۲). مطالعات نشان می‌دهد که چگونه یک سیستم مالیاتی بدون اجرای صحیح به مدیران اجازه می‌دهد تا از رانت هزینه ای برای دولت در قالب مالیاتهای کمتر استخراج کنند. چندین مطالعه شواهدی را ارائه می‌کنند که فرصت طلبی مدیریتی توسط آن تسهیل می‌شود فعالیت‌های اجتناب از مالیات، همانطور که با دستکاری درآمد و انحراف مستقیم منابع شخصی برای مدیران نشان داده شده است، استفاده می‌نمایند (چن و همکاران^۴، ۲۰۱۰). پژوهشگران پیشین نظریه ای استدلال می‌کند که مدیران انگیزه دارند تا از منابع شرکت برای ایجاد قدرت طلبی مدیریتی‌های تجاری برای منافع خصوصی خود به عنوان مثال، با دستیابی به غرامت بالاتر و ارضای تمایل خود به موقعیت، قدرت و اعتبار استفاده نمایند (هوپ و توماس^۵، ۲۰۰۸). مدیرانی که به دنبال منفعت شخصی هستند، از طریق جداسازی مالکیت از کنترل، فرصتهای بیشتری دارند. به جای استفاده از این شیوه‌ها برای افزایش سهام سهامداران، خود را درگیر روش‌های اجتناب از مالیات به نفع خود می‌نمایند. مطالعات نشان داده است ثروت ایجاد شده ناشی از این جداسازی موضوع بررسی شده در چندین اجتناب مالیاتی قبلی بوده است (چن و چو^۶، ۲۰۰۵)؛ بنابراین با توجه به مطالب گفته شده احتمال می‌رود اجتناب از پرداخت مالیات بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی اثرگذار باشد؛ از این رو این مطالعه در صدد است به بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی با توجه به رشد نرخ موثر مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس پردازد؛ یا به عبارتی به این سوال پاسخ دهد که آیا اجتناب از پرداخت مالیات بر ایجاد

قدرت طلبی مدیریتی با توجه به رشد نرخ موثر مالیات اثرگذار است یا خیر و به چه صورت باعث ایجاد انگیزه در مدیران میشود و از طرفی نقش اجتناب از پرداخت مالیات بر ارزش و اعتبار شرکت به چه صورت می باشد.

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

در یک مطالعه جدیدتر، اتوود و لولن در سال ۲۰۱۹، نشان می دهد که مدیران شرکت های پرداخت کننده مالیاتی با حمایت ضعیف از سرمایه گذاران، پس انداز مالیاتی را به سمت سرمایه گذاری بیش از حد و بیش از حد سوق میدهند. مخارج تحقیق و توسعه، احتمال استفاده مدیران از پس انداز مالیاتی شرکتها را برجسته میکند. برای اهداف ایجاد قدرت طلبی مدیریتی در این زمینه، سوال معقولی که باید مطرح شود این است که آیا استراتژی های اجتناب از مالیات شرکتها چنین هستند؟ هر پیوندی با تمرینات مدیریت در ایجاد قدرت طلبی مدیریتی مطالعه حاضر به این سوال میپردازد (اتوود و لولن،^۷ ۲۰۱۹). بر این اساس، این مطالعه تأثیر اجتناب از مالیات شرکتی را بر تمرین های ایجاد قدرت طلبی مدیریتی یک شرکت بررسی می کند. هانلون و هیتزمن^۸ (۲۰۱۰) توجه بیشتر محققان را برای بررسی ملاحظات به وجود آمده در مورد اجتناب از مالیات شرکتها خواستار شد. دسای و دارماپالا^۹ (۲۰۰۶) استدلال می کنند که اجتناب از مالیات شرکتها میتواند مکمل استخراج اجاره توسط مدیران در وجود نظارت کمتر و کاهش شفافیت را شامل شود. دسای و دارماپالا (۲۰۰۹) دریافته اند که اجتناب مالیاتی مثبت است و تنها زمانی بر ارزش شرکت تأثیر میگذارد که نظارت نهادی وجود داشته باشد. یافته های آنها حاکی از آن است که در غیاب قوی با نظارت، مدیران میتوانند از شیوه های اجتناب از مالیات برای منافع شخصی خود استفاده نمایند، به عنوان مثال، ایجاد قدرت طلبی مدیریتی. این موضوع در مطالعه آنها با پرداختن به سوال اصلی تحقیق بررسی می شود: آیا شیوه های اجتناب مالیاتی شرکتها فراهم می کنند؟ مدیرانی که این فرصت را دارند که منابع شرکت را به سمت ایجاد قدرت طلبی مدیریتی خود منحرف کنند؟ علاوه بر این این مطالعه نقش حاکمیت و مکانیسمهای نظارتی را به عنوان تعدیل کننده در ارتباط بین اجتناب مالیاتی و ایجاد قدرت طلبی مدیریتی بررسی میکند، همراه با عواقب قدرت طلبی مدیریتی زمانی که انگیزه شیوه های اجتناب از مالیات باشد (سیدشمس و همکاران، ۲۰۲۳). طبق مطالعات سیدشمس و همکاران در سال ۲۰۲۳، اطلاعات جبران خسارت، به شدت به اندازه شرکت و منابع تحت کنترل آنها بستگی دارد. از این رو، مدیران ایجاد قدرت طلبی احتمالاً وجوهی را در پروژه های تملک و مخارج سرمایه ای سرمایه گذاری می کنند که لزوماً چنین نیست؛ برای شرکتهای خود ارزش ایجاد کنند. مدیرانی که انگیزه های قدرت طلبی دارند نیز تمایل دارند برای رشد در دارایی های شرکت بیش از حد سرمایه گذاری کنند، شرکت هایشان فراتر از اندازه بهینه است و منابع استفاده نشده را تحت کنترل خود نگه می دارند. نقش تعدیل کننده ایجاد قدرت طلبی در ارتباط بین اجتناب مالیاتی و ارزش گذاری شرکت را نیز بررسی مینمایند. آنها متوجه شدند که اجتناب از مالیات شرکتها به طور مثبت با ایجاد قدرت طلبی مدیریتی مرتبط است، به این معنی که

شرکتهایی با سطح بالاتر اجتناب از مالیات در سطح بیشتری از تمرین های قدرت طلبی مدیریتی شرکت میکند. هنگام استفاده از جلوه های ثابت، مشخصات تحلیل، یا تحلیل متغیر ابزاری را تغییر میدهند. اجتناب از مالیات توسط هانلون و هیتزمن، به عنوان کاهش مالیاتهای صریح تعریف شده است. طیفی از استراتژیهای برنامه ریزی مالیاتی با استراتژیهای کاملاً قانونی کاهش مالیات در یک انتها این تعریف گسترده را در بر میگیرد، مانند اوراق قرضه شهرداری سرمایه گذاری، در حالی که استراتژیهای برنامه ریزی مالیاتی، مانند عدم رعایت، فرار، پرخاشگری و سرپناه، به انتهای دیگر نزدیکتر ظاهر میشود. در یک محیط شرکتی، با همسویی کامل از منافع نمایندگان و مدیران، سهامداران بدون در نظر گرفتن ریسک انتظار دارند مدیرانی که به نمایندگی از آنها عمل میکنند، بر حداکثر کردن سود تمرکز نمایند و شامل بالا رفتن میشود. پس از فرصتهایی برای کاهش بدهی های مالیاتی تا زمانی که سود افزایشی مورد انتظار بیشتر باشد از هزینه افزایشی استفاده می نمایند (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). بر اساس این پدیده، مدیران اقدام به اجتناب مالیاتی خواهند کرد؛ روشهایی که یک رابطه اجتناب از مالیات و ارزش شرکت ایجاد میکند. چندین مطالعه استدلال میکنند که پناهگاه های مالیاتی نوعی از سپر مالیاتی غیر بدهی هستند که شرکتها برای فعالیت تحت اهرم پایین استفاده میکنند؛ بنابراین به این دیدگاه کمک میکند که استراتژی های اجتناب از مالیات شرکتها ابزارهایی هستند که برای ایجاد جریان نقدی استفاده میشوند (سیدشمس و همکاران، ۲۰۲۳).

مالیات یکی از ابزارهایی است که در سایر کشورها ممکن است بر سیاست ها و تصمیم گیری های واحدهای تجاری تاثیر گذارد. به طوری که از یک سو هزینه اجباری تلقی شده و از سوی دیگر بر نحوه سرمایه گذاری و همچنین تامین مالی شرکت ها اثر می گذارد (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۹). به همین جهت، یکی از برنامه ها و فعالیت هایی که شرکت ها دنبال می نمایند، کاهش هزینه مالیات است. سهامداران به اندازه ای که از فعالیت های کاهش هزینه مالیات توسط مدیران خشنود می شوند، نگران پیامدهای ریسک مالیاتی از جمله پرداخت مالیات بیشتر در آینده، جرایم مالیاتی نیستند. اجتناب مالیاتی را می توان به طور کلی استفاده از پیچیدگی ها، تکنیک ها و شکاف در قوانین مالیاتی در نظر گرفت که با کاهش هزینه های شرکت، منجر به انتقال ثروت از دولت به سهامداران می شود (الدماری و اسماعیل^۱، ۲۰۱۳).

مرور ادبیات اجتناب مالیاتی نشان میدهد که در بیشتر پژوهشها به این اقدام مدیران به عنوان فعالیتی مخاطره آمیز نگریده شده که بر شفافیت، عملکرد آتی، ارزش شرکت، کیفیت سود، اعلام سود، اعتماد اجتماعی و ریسک شرکت تاثیر منفی می گذارد. با وجود ادبیات مزبور، پژوهشهای اندکی رابطه بین فعالیتهای مالیاتی شرکت ها و کیفیت سود را مورد بررسی قرار داده اند. از آنجایی که امکان پیش بینی اطلاعات مالی به ویژه سود توسط سرمایه گذاران، مستلزم ارایه اطلاعات شفاف و مربوط از سوی واحدهای تجاری است، نمیتوان نقش مالیات را در ارزیابی کیفیت سود نادیده گرفت. هانلون و هیتزمن در سال ۲۰۱۰، معتقدند که بازار ممکن است نسبت به شرکت هایی که از

پناهگاه های مالیاتی استفاده میکنند، واکنش منفی نشان داده و از این طریق ارزش شرکت کاهش یابد (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). همچنین، آتوود و همکاران در سال ۲۰۱۰، نیز نشان داده اند که یکی از عوامل کاهش پایداری سود شرکت ها، اجتناب مالیاتی است. چنین فعالیتی اگرچه ممکن است بر جریان های نقدی جاری تاثیر مثبت بگذارد، اما ممکن است تحقق جریان های نقدی در دوره های آتی را کاهش دهد. بر اساس آنچه گفته شد، همواره این نگرانی وجود دارد که اطلاعات مالی به ویژه سود به عنوان یکی از شاخص های عملکرد مالی و همچنین قدرت پیش بینی سودها که معیاری جهت تصمیم گیری استفاده کنندگان تلقی می شود، دستخوش فعالیت های اجتناب مالیاتی مدیران قرار گرفته و پیش بینی جریان های نقدی آتی را با مشکل روبرو سازد (آتوود و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۰). زمانی که از مرگ و مالیات در اقتصادهای پیشرفته به عنوان دو مقوله ای یاد شد که غیر قابل اجتناب بوده و راه گریزی از آنها وجود ندارد. انتظار نمی رفت که اجتناب مالیاتی از آغاز هزاره سوم سرفصل بسیاری از پژوهش های حسابداری و مالی قرار گیرد. پاسترناک و ریکو در سال ۲۰۰۸، اجتناب مالیاتی را استفاده قانونی از شکافهای قوانین مالیاتی جهت کاهش هزینه مالیات تعریف نمودند (پاسترناک و ریکو^{۱۲}، ۲۰۱۸). همچنین، هانلون و هیتزمن در سال ۲۰۱۰، نیز اجتناب مالیاتی را به عنوان کاهش آشکار مالیات به ازای هر واحد از سود حسابداری یا جریانهای نقدی در نظر گرفتند (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). دزایی و دارماپالا در سال ۲۰۰۹، افزایش تفاوت بین سود حسابداری و مالیاتی، کاهش نرخ موثر مالیاتی و رشد سود شرکتهای بدون شناسایی بدهی های مالیاتی از جمله نشانه های فعالیتهای اجتناب مالیاتی مدیران برشمردند. مرور ادبیات حسابداری و مالی نشان می دهد که به طور کلی دو دیدگاه در ارتباط با اجتناب مالیاتی حاکم است (دسایی و دارماپالا، ۲۰۰۹). دیدگاه نخست، هدف فعالیت های اجتناب مالیاتی را تنها کاهش تعهدات و بدهی های مالیاتی شرکتهای قلمداد میکند. طرفداران این دیدگاه معتقدند که از نظر سرمایه گذاران، اجتناب مالیاتی به عنوان فعالیتی تلقی میشود که ارزش شرکت را افزایش داده و باید مدیران را برای بکارگیری چنین اقداماتی تشویق نمود و به آنها پاداش داد. نمونه بارز چنین وضعیتی را میتوان مبنای قرار دادن سود بعد از مالیات به عنوان طرحهای پاداش مدیران نام برد که منجر به کاهش نرخ موثر مالیاتی میشود. همچنین، زمان بر بودن این فعالیت برای مدیران و کشف آن توسط نهادهای نظارتی و مالیاتی از هزینه های بالقوه این دیدگاه به شمار میرود. بنابر آنچه گفته شد میتوان چنین نتیجه گیری نمود که در این دیدگاه ممکن است تضاد منافع بین مدیران سهامداران طبق تئوری نمایندگی به فراموشی سپرده شده اما در مقابل، رابطه شرکت دولت بر مبنای تئوری ذینفعان به چالش کشیده شود (غلامی کیان و فقیه، ۱۳۹۶). در دیدگاه دوم، فعالیتهای اجتناب مالیاتی ابعاد بیشتری از مسایل نمایندگی بین مدیران و سهامداران از قبیل فرصت طلب مدیران و سوء استفاده از منابع شرکت را شامل میشود (دسایی و همکاران، ۲۰۰۷). دسایی و دارماپالا در سال ۲۰۰۹، معتقدند که پیچیدگی فعالیتهای اجتناب مالیاتی میتواند ابزارها،

پوششها و قضاوتهایی را برای مدیران ایجاد نماید که زمینه ساز رفتارهای فرصت طلبانه آنها مانند دستکاری سود، معاملات با اشخاص وابسته و سوء استفاده از منابع شرکت به نفع مدیران گردد؛ به عبارت دیگر، در این دیدگاه ممکن است اجتناب مالیاتی و انحراف مدیران مکمل یکدیگر قرار گیرند (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۹). اجتناب مالیاتی را می توان از جمله فعالیت هایی تلقی نمود که پیامدهای مستقیم و غیرمستقیمی بر واحد تجاری و جامعه دارند. به طوری که هانلون و هیتزمن در سال ۲۰۱۰، کاهش هزینه مالیات، افزایش جریان های نقدی و افزایش ثروت سهامداران را از جمله پیامدهای مستقیم و کاهش پناهگاه های مالیاتی، احتمال وضع مالیات بیشتر، جرایم مالیاتی، کاهش مسئولیت اجتماعی و به دنبال آن کاهش ارزش شرکت را از جمله پیامدهای غیرمستقیم آن قلمداد نمودند. از آنجایی که ممکن است پیامدهای غیرمستقیم اجتناب مالیاتی بر شرکت از اهمیت بیشتری برخوردار باشد، در ادامه ادبیات مربوط به این زمینه ارایه می شود (غلامی کیان و فقیه، ۱۳۹۶). مرور ادبیات مالی و حسابداری نشان میدهد که به اجتناب مالیاتی به عنوان عاملی که تبادل اطلاعات شرکت را محدود می نماید، نگرسته شده است. دزایی و دارماپالا در سال ۲۰۰۹، چن و همکاران در سال ۲۰۱۰، نشان دادند به جهت اینکه اجتناب مالیاتی با هدف پنهان نمودن مالیات واقعی شرکتها صورت می پذیرد، ممکن است بر محیط اطلاعاتی شرکتها تاثیر منفی گذاشته و عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران را افزایش دهد. بالاگریشان و همکاران در سال ۲۰۱۲، نیز دریافتند که اجتناب مالیاتی، برقراری ارتباط واحد تجاری با منابع برون سازمانی را دچار مشکل ساخته که این امر شفافیت گزارشگری مالی را کاهش می دهد. علاوه بر این، هانلون و اسلمرد در سال ۲۰۰۹، معتقدند که بازار ممکن است نسبت به پناهگاه های مالیاتی شرکتها واکنش منفی نشان داده و در رابطه احتمال تر یکب پناهگاه های مالیاتی با رفتارهای فرصت طلبانه مدیران از جمله دستکاری معیارهای عملکرد نگرانی هایی دارند. این نگرانی بازار ممکن است با نتایج پژوهش فرانک و همکاران در سال ۲۰۰۹ که نشان داده اند رابطه مثبت و قوی بین اجتناب مالیاتی و گزارشگری مالی متقابلانه وجود دارد، مضاعف گردد. از سوی دیگر، دزایی و دارماپالا در سال ۲۰۰۹، اگرچه معتقد بوده اند که اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت تاثیر ندارد اما وجود ساز و کارهای نظارتی مانند سرمایه گذاران نهادی میتواند این رابطه را معنادار و مستقیم نماید. به بیان دیگر می توان چنین نتیجه گیری نمود که با فرض وجود فعالیت های اجتناب مالیاتی، ساز و کارهای راهبری شرکتی می تواند آن را به فعالیتی همسوی منافع شرکت و سهامداران تبدیل نماید (غلامی کیان و فقیه، ۱۳۹۶). یکی دیگر از پیامدهای غیرمستقیم اجتناب مالیاتی، تاثیری است که بر برخی مفاهیم مانند سود و قیمت سهام دارد. مفاهیمی که سرمایه گذاران واکنش یکنواختی نسبت به آنها نشان داده و برداشت مثبتی را در ذهن آنها ایجاد می نماید. به عنوان نمونه، کیم و همکاران در سال ۲۰۱۰، نشان داده اند که اجتناب مالیاتی رابطه مستقیمی با ریسک سقوط قیمت سهام دارد. آنها معتقدند که اگر اخبار نامطلوب درباره شرکت به واسطه اقداماتی مانند اجتناب مالیاتی، مدیریت سود و دیگر رفتارهای فرصت طلبانه برای چندین دوره انباشته گردد، ممکن است افشای آنی این اخبار نامطلوب منجر به سقوط قیمت سهام گردد. هانلون در سال ۲۰۰۵، معتقد بود که

تفاوت بین سود حسابداری و مالیاتی (به عنوان معیار اجتناب مالیاتی) بر پایداری سود و ارقام تعهدی آن تأثیر دارد. او بیان نمود به دلیل اینکه پایداری ارقام تعهدی غیراختیاری از ارقام اختیاری آن بیشتر است، تفاوت زیاد سود حسابداری و مالیاتی نشانه افزایش اختیار مدیران در انعکاس ارقام تعهدی و کاهش پایداری سود است. کراتبری و کابیک در سال ۲۰۱۲، بیان نمودند به دلیل دسترسی مدیران به اطلاعات محرمانه درباره چشم انداز آینده شرکت، ممکن است با فعالیت هایی مانند اجتناب مالیاتی اعلام سود را به تاخیر اندازند تا از این طریق معادلات بازار را تغییر داده یا استفاده شخصی از آن برند (غلامی کیان و فقیه، ۱۳۹۶). روابط انسانها در زندگی اجتماعی پیوسته در سلسله مراتبی از پایگاه ها و نقش ها شکل می گیرد. مسلم است که هر پایگاه و نقش دارای درجه ای از توانایی و قدرت در اداره امور بوده و میزانی از قدرت را در جامعه دارا می باشد. شخصی که آن پایگاه را احراز کرده است به نوعی دارنده آن قدرت تلقی شده و در نهایت قدرت در دست آن شخص عینیت و تجلی پیدا میکند. در تعریفی عام قدرت را توانایی تأثیرگذاری بر دیگران یا توانایی افراد یا گروه ها در دستیابی به اهداف تعریف کرده اند که ممکن است در هر ارتباطی وجود داشته و به عنوان عاملی تعیین کننده بین افراد تلقی شود. حتی ممکن است بین دو خواهر دو قلو با ژن یکسان نیز درجه ای از اعمال قدرت از سوی یکی از آنها دیده شود. ماکس وبر با علم به این قدرت مقوله ای نامحسوس است آن را چنین تعریف می کند مجال یک فرد یا تعدادی از افراد برای اعمال اراده خود حتی در برابر مقاومت عناصر دیگری که در صحنه عمل شرکت دارند (فروند، ۱۳۶۸)؛ بنابراین فرد دارای قدرت، فردی است که در اجتماع دارای قوه و استعداد اعمال اراده خود است (نبوی، ۱۳۷۹). کمیاب ترین منبع در دنیای امروز استعداد رهبری است که قابلیت هدایت مستمر سازمان ها به سمت برنده شدن در دنیای فردا را داشته باشد، افراد و سازمان هایی که موتور رهبری را می سازند و در توسعه رهبران سرمایه گذاری می کنند یک مزیت رقابتی پایدار دارند. بدون تردید مدیریت مدیر توسعه است و به سامان رسیدن فعالیت های گروهی و سازمانی مستلزم مدیریت اثربخش است. در این راستا همکاری و نفوذ داشتن روی دیگران برای انجام مسئولیت و وظایفی که بر عهده مدیر است امری ضروری و لازم محسوب می شود و یکی از شروط تحقق مدیریت اثربخش می باشد. از سوی دیگر واضح است که رهبران و مدیران برای موثر بودن و اثربخشی به ابزارهای متفاوت نیاز دارند. قدرت یکی از این ابزارها می باشد که فرآیند نفوذ و اعمال اراده بر دیگران را شامل می شود. نحوه استفاده مدیر از قدرت و نفوذ سبک رهبری نامیده می شود (سهرابی، ۱۳۸۸). در زمینه مدیریت نحوه استفاده مدیر از قدرت و نفوذ بر عملکرد سازمان، کارایی سازمان و کارکنان و بهره وری آنها تأثیر می گذارد. مدیران به دلیل مسئولیت در تقسیم منابع سازمان در مقیاس گسترده، نسبت به اعضای دیگر سازمان قدرت بیشتری دارند و در موقعیتی قرار دارند که قادرند قدرت خود را تجربه کنند (آستون جمیز و همکاران^۳، ۲۰۱۱). علاوه بر سلسله مراتب که در یک سازمان می تواند منشاء قدرت باشد، قدرت در روابط افراد نیز وجود دارد و زمانی حاصل می شود که صرف نظر از اختیارات قانونی کارمند بتواند نظریات خود را بر دیگری تحمیل کند (اقتداری، ۱۳۸۴). از سوی دیگر

قدرت به صورت دقیق در بین افراد یک سازمان توزیع نمی گردد همواره امکان شکاف بین دستورات از سوی یک فرد و اجرا یا عدم اجرا از سوی دیگران وجود دارد. در چنین زمانی امور سازمان به هم ریخته و وضع خط مشی ها دچار اختلال می گردد. از این رو شناخت و تعریف نمودار قدرت در سازمان، احتمال بروز تنش ها و برخوردها را کاهش داده و کارایی سازمان را بالا می برد. این موضوع یکی از مواردی است که ضرورت انجام چنین تحقیقی را نشان می دهد. بدین معنی که در یک سازمان ابتدا حدود و اختیارات قانونی هر کدام از مدیران پایه و میانی تعریف شود و اعمالی که این مدیران انجام می دهند با نمودار قدرت تطبیق داده شود تا علاوه بر شناسایی اعمال خارج از محدوده قانونی قدرت آنها، سودمندی یا ناسودمندی اعمالشان بر سازمان معین گردد. انجام تحقیق نیز چنان به شناخت سبک رهبری مدیران می پردازد. شکی نیست که چگونگی رهبری در طرز سلوک و رفتار کارمندان و در نتیجه در تحقق اهداف سازمان موثر می باشد. صرف نظر از اصول و فنون سازمانی، رهبر خوب می تواند بسیاری از مشکلات را حل نماید؛ زیرا اغلب اتفاق افتاده است که تغییر روسای سازمان در نتایج عملیات دستگاه موثر واقع گردد (اقتداری، ۱۳۸۴). نحوه رهبری به عنوان وسیله ای جهت تشویق پیروان برای رسیدن به اهداف گروه یا سازمانی که آنها مشغول اند، تلقی می شود. در این خصوص مطالعات بسیاری راجع به نقش رهبر در نوآوری، به ویژه در حوزه خلق جو نوآورانه همچون ایجاد فضای باز در کنش متقابل کارکنان و رهبر انجام شده است (ونگ و همکاران^{۱۴}، ۲۰۰۹). بررسی میزان قدرت طلبی مدیران یک سازمان همچنین به شناخت جو سازمانی کمک می کند. جو سازمانی درک کارکنان از محیطی است که در آن مشغول به کار هستند. در واقع درک کارکنان برداشتی ذهنی و احساسی است که توسط ارتباطات انسانی شکل می گیرد، ارتباطات انسانی که کارکنان با مدیر و همکاران خود دارند. تحقیقات نشان داده اند زمانی که با کارکنان به صورت عادلانه و مثبت رفتار می شود آنها برای نشان دادن نگرش مثبت تشویق می شوند و این امر باعث اعتماد آنها به رهبری و سازمان می شود. در واقع کارکنان در محیطی که به منابع، اطلاعات و حمایت دسترسی داشته باشند، فرصت یادگیری پیدا می کنند و این امر توانمندی آنها را افزایش می دهد (بابایی زکلیلی، ۱۳۸۶). از سوی دیگر میزان قدرت طلبی مدیران بر رضایت شغلی کارکنان، اثربخشی و بهره وری سازمان، کارایی سازمان، اخلاق سازمانی و نحوه عمل به قوانین و مقررات تأثیر گذاشته و شکوفایی یا از بین رفتن استعدادهای سازمان را موجب می شود (ناصر قراملکی و همکاران، ۱۳۹۲). با توجه به مطالب مذکور با توجه به بحرانها و شرایط اقتصادی، احتمال اینکه در شرکتها اجتناب از مالیات وجود داشته باشد، زیاد است؛ به طوری که مدیران برای ایجاد قدرت طلبی و نشان دادن مدیریت و افزایش مقام خود سعی میکنند که در ثبت هزینه های خود دورتر از واقعیت باشند؛ از این رو، ضروری است به بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی در شرکتها پرداخته شود؛ در ادامه متغیرهای پژوهش توضیح داده شده است.

اجتناب از پرداخت مالیات: اجتناب از (پرداخت) مالیات وجوه در دسترس را افزایش میدهد. این امر میتواند باعث ایجاد ثروت برای سهامداران یا تشدید مشکلات نمایندگی شود (هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰). در دیدگاه سنتی اجتناب از

مالیات انتقال ثروت به دولت را کاهش میدهد و شرکت را قادر میسازد منافع بیشتری بدست آورد و ارزش سهام را افزایش دهد (ویلسون^{۱۵}، ۲۰۰۹). به عبارتی سیاستهای مالیاتی مشابه تصمیمهای سرمایه گذاری هستند که از طریق اجتناب از مالیات برای شرکت منابع اقتصادی ایجاد میکند (فرانسیس و همکاران^{۱۶}، ۲۰۱۵). با این حال اجتناب مالیاتی می تواند موجب ترغیب مدیران در شرکتهای با سطوح بالای اجتناب مالیاتی به فعالیتهای پر هزینه جهت پنهان کردن اجتناب مالیاتی و کاهش شفافیت صورتهای مالی جهت دستیابی کم هزینه تر به منافع شود که میتوان آن را رفتاری فرصت طلبانه تلقی کرد (دسای و همکاران^{۱۷}، ۲۰۰۷). استفاده مدیریت از منافع حاصل از افزایش اجتناب مالیاتی به منظور سرمایه گذاری فراتر از حد مطلوب یا عدم سرمایه گذاری منافع حاصل از اجتناب مالیاتی در پروژه های دارای خالص ارزش فعلی مثبت نمونه هایی از رفتارهای فرصت طلبانه است (برتراند و مولایتاین^{۱۸}، ۲۰۱۳). در این مطالعه اجتناب مالیاتی را از جنبه های مختلف در نظر گرفته است؛ مانند اجتناب مالیاتی شرکتهای با حکمرانی ضعیف؛ اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای با مکانیسم نظارت ضعیف؛ اجتناب مالیاتی شرکتهای با قدرت مدیرعامل یا مدیر اجرایی؛ اجتناب مالیاتی شرکتهای با عملکرد ضعیف مسئولیت اجتماعی که اثر هر یک از آنها را در ایجاد قدرت طلبی مدیریتی مورد سنجش قرار می دهد (سیدشمس و همکاران، ۲۰۲۳).

ایجاد قدرت طلبی مدیریتی: عمده پژوهشهایی که تاکنون در ارتباط با ایجاد قدرت طلبی مدیران انجام شده است، نشان میدهند که مدیران توانمند به گونه ای مطلوب فرصتهای سرمایه گذاری را ارزیابی میکنند. برای نمونه، درمیریان و همکاران در سال ۲۰۱۲، بیان میکنند که چنین مدیرانی در تعیین میزان و زمانبندی بازده اقتصادی و همچنین ریسک و بازده سرمایه گذاری توفیق بیشتری دارند. توانایی مدیریتی یک عامل تعیین کننده مهم در کارایی سرمایه گذاری است که منجر به کاهش سرمایه گذاری بیش یا کمتر از حد میشود. در صورتی که نقدینگی ناشی از اجتناب مالیاتی در تعیین میزان سرمایه گذاری اهمیت داشته باشد (ادوارد و همکاران^{۱۹}، ۲۰۱۶). انتظار داریم اجتناب مالیاتی از جنبه های مختلف مانند اجتناب مالیاتی شرکتهای با حکمرانی ضعیف؛ اجتناب مالیاتی شرکتهای با مکانیسم نظارت ضعیف؛ اجتناب مالیاتی شرکتهای با قدرت مدیرعامل یا مدیر اجرایی؛ اجتناب مالیاتی شرکتهای با عملکرد ضعیف مسئولیت اجتماعی بر ایجاد قدرت طلبی مدیران تأثیر داشته باشد (سیدشمس و همکاران، ۲۰۲۳).

نرخ مؤثر مالیات: نرخ مؤثر مالیاتی معمولاً فقط به مالیات بر درآمد فدرال اشاره دارد و مالیات بر درآمد ایالتی و محلی، مالیات فروش، مالیات بر دارایی یا سایر انواع مالیاتهایی را که ممکن است هر فرد پردازد در نظر نمی گیرد. برای تعیین نرخ مؤثر مالیاتی کل، افراد می توانند کل بار مالیاتی خود را جمع و آن را بر درآمد مشمول مالیات خود تقسیم کنند. انجام این محاسبات ممکن است در هنگام تلاش برای مقایسه نرخهای مؤثر مالیاتی دو یا چند فرد مفید باشد یا

برای ارزیابی این مسئله استفاده شود که فرد در صورت زندگی در ایالت‌هایی با نرخ مالیاتی بالا و پایین چه میزان مالیات بایستی پرداخت کند- این مسئله برای بسیاری از افرادی که به فکر نقل مکان در دوران بازنشستگی هستند اهمیت دارد. نرخ مؤثر مالیاتی در مقایسه با نرخ نهایی مالیات نمایش دقیق‌تری از بدهی مالیاتی کلی یک شخص یا شرکت و معمولاً کمتر از نرخ نهایی است. هنگام مقایسه نرخ نهایی مالیات در مقابل نرخ مؤثر، به خاطر داشته باشید که نرخ نهایی مالیات به بالاترین گروه مالیاتی اشاره دارد که درآمد افراد در آن قرار می‌گیرد. در نظام مالیات بر درآمد تدریجی یا تصاعدی مانند آنچه که در ایالات متحده وجود دارد، از درآمد افراد با نرخ‌های متفاوتی مالیات اخذ می‌شود که این نرخ با عبور از آستانه درآمد مشخصی افزایش می‌یابد. دو فرد یا شرکتی که درآمد آن‌ها در یک گروه مالیاتی نهایی بالایی قرار می‌گیرد ممکن است بسته به اینکه چه مقدار از درآمدشان در بالاترین گروه قرار داشته است مشمول نرخ‌های مؤثر مالیاتی بسیار متفاوتی باشند (سیدشمس و همکاران، ۲۰۲۳).

مروری بر نتایج تجربی تحقیق در ایران و جهان

قادرزاده و علوی (۱۴۰۲)، اجتناب مالیاتی: مسئولیت اجتماعی و نقش تعدیل‌گر مالکیت خانوادگی را بررسی نمودند. همسو با نظری ذی نفعان نتایج نشان می‌دهد مسئولیت اجتماعی شرکتی با اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری دارد. مالکیت خانوادگی رابط بین مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی را تعدیل نمی‌کند. وجود مسئولیت اجتماعی شرکتی موجب کاهش اجتناب مالیاتی در شرکتهای مورد مطالعه گردید. مالکیت خانوادگی ماهیت همپوشانی با مسئولیت اجتماعی داشت اما تعامل آن با مسئولیت اجتماعی به تقویت ارتباط بین مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی منجر نگردید.

سامانیان و همکاران (۱۴۰۱)، به بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی، اجتناب مالیاتی و معاملات با اشخاص وابسته با ارزش شرکت: آزمون نظریه اقتصاد سیاسی در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که ارتباطات سیاسی، اجتناب مالیاتی و معاملات با اشخاص وابسته بر ارزش شرکت تاثیر منفی و معناداری دارند. ارتباطات سیاسی رابطه بین معاملات با اشخاص وابسته و اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت را تشدید میکند به گونه‌ای که وجود معاملات با اشخاص وابسته در شرکتهای دارای ارتباطات سیاسی، منجر به کاهش ارزش شرکت میشود. این نتایج گویای این واقعیت است که شرکتهای دارای ارتباطات سیاسی قوی، احتمال بیشتری وجود دارد که معاملات با اشخاص وابسته شرکت را خارج از روال عادی انجام دهند. وجود رابطه منفی بین معاملات با اشخاص وابسته و ارزش شرکت حاکی از تایید تئوری نمایندگی بوده که بیان میدارد این گونه معاملات در راستای فرصت طلبی مدیریت و کسب منافع شخصی برای مدیران به کار گرفته میشود و موجب متضرر شدن شرکت و سهامداران میگردد. در شرکتهایی که مدیران آن علاوه بر داشتن ارتباطات سیاسی به دنبال اهداف اجتناب مالیاتی نیز هستند ارزش شرکت کاهش می‌یابد. به این دلیل که مدیران شرکت‌های دولتی دارای افق تصمیم‌گیری کوتاه مدت بوده و تلاش می‌نمایند تا به هر طریق ممکن از جمله دست کاری و مدیریت سود، عملکرد دوره جاری و در نتیجه پاداش خود را

افزایش و میزان مالیات قابل پرداخت را کاهش یا به تعویق بیندازند که این مساله در نهایت منجر به کاهش ارزش شرکت میشود. به طور کلی مطابق نظریه اقتصاد سیاسی به دلیل حمایت دولت از ارتباطات سیاسی در شرکتهایی که روابط سیاسی حاکم است، محیط عملیاتی شفاف نیست. در نتیجه کیفیت اطلاعات در شرکتهای دارای اطلاعات سیاسی پایین تر از سایر شرکت بوده و در نتیجه منجر به کاهش ارزش شرکت میشود.

خدای پور و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی به بررسی تأثیر توانایی مدیریتی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و کارایی سرمایه گذاری پرداختند. یافته های حاصل از آزمون فرضیه های پژوهش نشان میدهد که بر خلاف انتظار با افزایش اجتناب مالیاتی، در سطح توانایی مدیریتی پائین، کارایی سرمایه گذاری کاهش نمی یابد، در حالی که در سطح توانایی مدیریتی بالا انتظار موجود مبنی بر تأثیر پذیری مثبت کارایی سرمایه گذاری از افزایش اجتناب مالیاتی تایید میشود.

سیدشمس و همکاران (۲۰۲۳)، در مطالعه ای به بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی در شرکت پرداختند. نتایج آنها نشان داد که ارتباط مثبت و معناداری بین معیار ترکیبی و چهار شاخص مورد استفاده برای نشان دادن اجتناب مالیاتی شرکتها وجود دارد؛ همچنین رابطه اجتناب از مالیات شرکتی با ایجاد قدرت طلبی مدیریتی در شرکت هایی با حکمرانی ضعیف، مکانیسم های نظارت ضعیف، قدرت مدیر ارشد اجرایی (مدیرعامل) بیشتر و عملکرد ضعیف مسئولیت اجتماعی شرکتی بارزتر است و از طرفی اجتناب مالیاتی باعث کاهش ارزش شرکت می شود.

گونزالس و همکاران^{۲۰} (۲۰۲۲)، در پژوهشی با عنوان افشای مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی دریافتند که بین افشای مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی وجود دارد و در شرکت های با مشارکت بالای مسئولیت اجتماعی میزان اجتناب مالیاتی کاهش چشم گیری داشته است.

چن و همکاران (۲۰۲۲)، در پژوهشی با موضوع نقدشوندگی سهام و اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج نشان داد که تأثیر نقدشوندگی سهام بر اجتناب مالیاتی از لحاظ آمار: معنادار است و هر چه نقد شوندگی سهام بالاتر باشد، اجتناب مالیاتی کمتری وجود خواهد داشت.

با توجه به مطالعه سیدشمس و همکاران (۲۰۲۳)، فرضیات اصلی و ویژه به صورت ذیل تدوین شده است:

فرضیه اصلی: اجتناب از پرداخت مالیات بر ایجاد قدرت طلبی مدیران شرکتهای با توجه به رشد نرخ موثر مالیات تأثیر معناداری دارد.

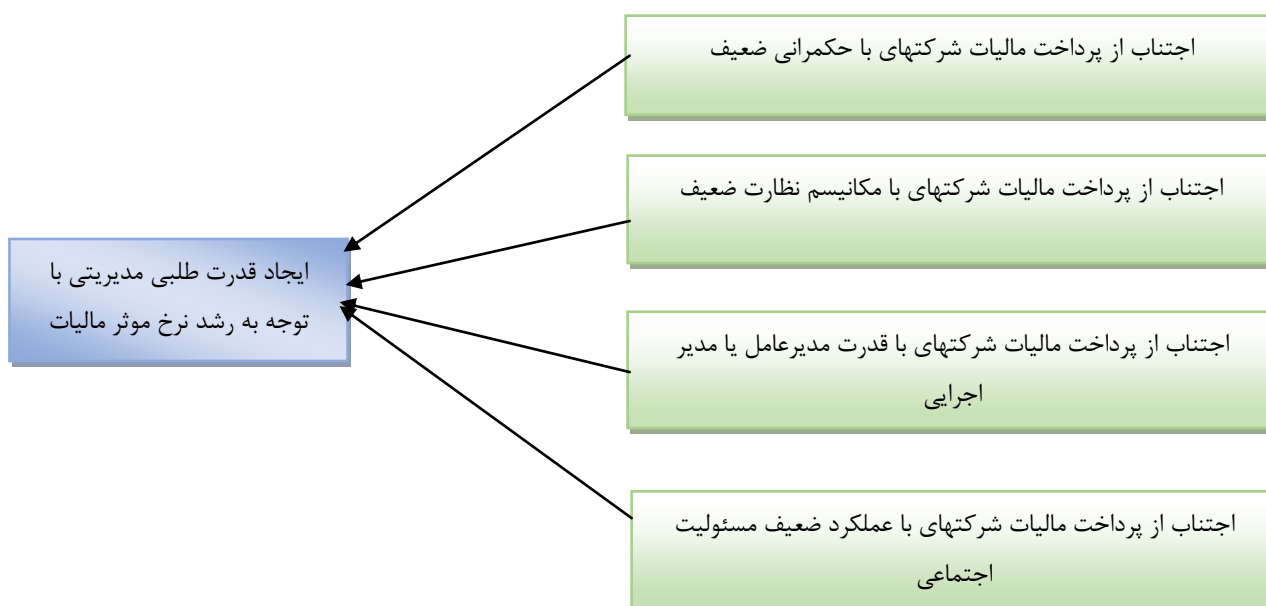
فرضیه فرعی اول: اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای با حکمرانی ضعیف بر ایجاد قدرت طلبی مدیران با توجه به رشد نرخ موثر مالیات تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی دوم: اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای با مکانیسم نظارت ضعیف بر ایجاد قدرت طلبی مدیران با توجه به رشد نرخ موثر مالیات تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی سوم: اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای با قدرت مدیرعامل یا مدیر اجرایی بر ایجاد قدرت طلبی مدیران با توجه به رشد نرخ موثر مالیات تأثیر معناداری دارد.

فرضیه فرعی چهارم: اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای با عملکرد ضعیف مسئولیت اجتماعی بر ایجاد قدرت طلبی مدیران با توجه به رشد نرخ موثر مالیات تأثیر معناداری دارد.

مدل مفهومی پژوهش:



نمودار ۱- مدل مفهومی پژوهش (سیدشمس و همکاران، ۲۰۲۳)

روش تحقیق

روش مورد استفاده از نوع پژوهش‌های نیمه تجربی پس رویدادی در حوزه پژوهش‌های اثباتی حسابداری است که با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و الگوهای اقتصادسنجی انجام شده است. فرضیه‌های پژوهش بر اساس داده‌های پانلی یا تابلویی مورد آزمون قرار گرفته است. براساس موضوع انتخابی، روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و از نوع کاربردی می‌باشد. براساس هدف این موضوع، از روش تحقیق همبستگی استفاده شده است چرا که بدنبال بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی در شرکتهای با توجه به رشد نرخ موثر مالیات می‌باشد.

جامعه آماری منتخب در این پژوهش شامل کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و در بین سال‌های ۱۳۹۶ الی ۱۴۰۱ می‌باشد. بنابراین جهت تعیین حجم نمونه بایستی دارای شرایط ذیل باشند:

- ۱- اطلاعات مالی آن‌ها در بازه زمانی مورد بررسی در دسترس باشد و هیچ نواقصی نداشته باشد.
- ۲- سال مالی آن‌ها در پایان اسفند ماه باشد و در بازه زمانی مورد بررسی تغییر سال مالی صورت نگرفته باشد.
- ۳- شرکتهای در طول دوره تحقیق مورد پذیرش بورس قرار داشته باشند و از عضویت آن‌ها بیش از ۲ سال گذشته باشد.

۴- در طول دوره تحقیق حقوق صاحبان سهام آن‌ها منفی نباشد.

۵- شرکت‌ها زیان انباشته نداشته باشند.

جدول ۱- تعیین نمونه آماری

۷۶۸	کلیه مشاهدات مربوط به نمونه آماری از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۱
(۱۶۹)	اطلاعات مالی شرکت‌ها در دسترس نبوده و یا ناقص بوده است.
(۱۶۲)	پایان سال مالی شرکت‌ها اسفندماه نباشد و یا تغییر سال مالی داشته باشند.
(۱۵۸)	شرکت‌ها زیان انباشته داشته باشند و حقوق صاحبان سهام آنها منفی باشد.
(۱۵۱)	شرکت‌ها در طول دوره تحقیق عضو بورس نباشند یا از زمان عضویت آن‌ها ۲ سال نگذشته باشد.
۱۲۸	نمونه انتخابی

مدل رگرسیونی اقتباس شده از مدل سیدشمس و همکاران (۲۰۲۳) به صورت زیر است:

$$CMA = \beta_0 + \beta_1 TACPG_{it} + \beta_2 TACWMM_{it} + \beta_3 TACPCEO_{it} + \beta_4 TACPSRP_{it} + \beta_5 ETR_{it} + \beta_6 Cash_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 Size_{it} + \beta_9 Lev_{it} + \beta_{10} MB_{it} + \varepsilon$$

متغیرهای وابسته:

✓ ایجاد قدرت طلبی مدیریتی (CMA) i در سال t

متغیرهای مستقل:

✓ اجتناب مالیاتی شرکتهای با حکمرانی ضعیف (TACPG) i در سال t

✓ اجتناب مالیاتی شرکتهای با مکانیسم نظارت ضعیف (TACWMM) i در سال t

✓ اجتناب مالیاتی شرکتهای با قدرت مدیرعامل یا مدیر اجرایی (TACPCEO) i در سال t

✓ اجتناب مالیاتی شرکتهای با عملکرد ضعیف مسئولیت اجتماعی (TACPSRP) i در سال t

متغیر تعدیلی:

✓ نرخ موثر مالیات شرکت (ETR) i در سال t

متغیرهای کنترل:

✓ وجه نقد شرکت (Cash) i در سال t

✓ بازده دارایی‌های شرکت (ROA) i در سال t

✓ اندازه شرکت (Size) i در سال t

✓ اهرم شرکت (Lev) i در سال t

✓ رشد شرکت (MB) i در سال t

روش اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته؛ ایجاد قدرت طلبی مدیریتی (CMA): برای اندازه‌گیری منفعت طلبی مدیریتی از چهار شاخص زیر استفاده شده است که برای اندازه‌گیری آن از چارت زیر استفاده شده است که مدیران شرکت های مشابه جهت پاسخگویی از آن به سوالات مربوطه جواب داده اند و داده های مطرح شده کمی سازی مدل قرار گرفته است.

جدول ۲- چک لیست متغیر وابسته

نوع منفعت		چک لیست منفعت طلبی مدیریتی	مراحل دستورالعمل
عدم منفعت	جزئی		
		پارتی بازی و جرائم قانونی	بررسی فعالیت های کلی
		تشکیل ائتلاف و فرار مالیاتی	بررسی فعالیت های اجرائی
		تمایل به کنترل مدیران و دستکاری در صورت مالی	بررسی صورت های مالی
		عدم مراعات مدیران و فرار از کار یا گزارشات ساعت کاری غیر صحیح	بررسی گزارشات پیوست

اگر شرکت ها در هر یک از موارد فوق، دارای منفعت طلبی منظور شده کلی و یا جزئی باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می شود.

متغیرهای مستقل:

اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای با حکمرانی ضعیف (TACPG): برای سنجش این متغیر از نسبت مجموع هزینه های مالیاتی در یک دوره ۵ ساله به درآمد قبل از مالیات و اقلام ویژه بدست آمده است؛ در صورتی که عدد بدست آمده از میانگین آن بیشتر باشد، دارای حکمرانی ضعیف می باشد.

اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای با مکانیسم نظارت ضعیف (TACWMM): از نسبت پرداخت مالیات های نقدی در یک دوره ۵ ساله به مجموع درآمد قبل از مالیات و اقلام خاص در دوره ۵ ساله بدست آمده است؛ در صورتی که این عدد نیز از میانگین مالیات پرداختی بیشتر باشد، دارای مکانیسم نظارت ضعیف می باشد.

اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای با قدرت مدیرعامل یا مدیر اجرایی (TACPCEO): از نسبت هزینه های مالیاتی در یک دوره ۳ ساله به مجموع درآمد قبل از مالیات و اقلام خاص در همان دوره سه ساله بدست آمده است و در صورتی که عدد بدست آمده از میانگین مالیات پرداختی کمتر باشد، دارای قدرت مدیرعامل می باشد.

اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای با عملکرد ضعیف مسئولیت اجتماعی (TACPSRP): از نسبت مالیات پرداختی نقدی در یک دوره سه ساله به مجموع درآمد قبل از مالیات و اقلام خاص در همان دوره سه ساله بدست آمده است که از نرخ موثر مالیات نقدی جهت اندازه گیری پرتفوی استفاده شده باشد؛ در صورتی که عدد بدست آمده از میانگین مالیات پرداختی بیشتر باشد، دارای عملکرد ضعیف مسئولیت اجتماعی می باشد (سیدشمس و همکاران، ۲۰۲۳).
متغیر تعدیلی:

نرخ موثر مالیات (ETR): از تقسیم کل هزینه های مالیاتی شرکت بر درآمد شرکت قبل از کسر مالیات به دست آمده است.

متغیرهای کنترلی:

وجه نقد (Cash): از تقسیم دارایی های نقدی بر کل دارایی ها بدست می آید.

بازده دارایی ها (ROA): از تقسیم سود خالص بر کل دارایی ها بدست می آید.

اندازه شرکت (Size): از لگاریتم طبیعی دارایی ها بدست می آید.

اهرم مالی (Lev): از تقسیم کل بدهی ها به کل دارایی ها بدست می آید.

رشد شرکت (MB): از نسبت ارزش کل بازار به ارزش حقوق صاحبان سهام بدست می آید (سیدشمس و همکاران، ۲۰۲۳).

یافته های پژوهش

جدول ۳- آمار توصیفی متغیرها

کشیدگی	چولگی	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	میانه	میانگین	
۲/۴۱۸۲	۰/۱۸۹۰	۰/۱۲۷۸	۰	۱	۰/۴۵۷۰	۰/۴۴۰۴	ایجاد قدرت طلبی مدیریتی
۱/۰۰۳۴	۰/۰۵۸۶	۰/۵۰۰۰	۰/۰۳	۰/۴۳۸	۰/۰۲۷	۰/۰۲۵	اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای با حکمرانی ضعیف
۱/۲۴۱۶	۰/۰۵۴۳	۰/۱۰۳۸	۰/۰۴۵	۰/۵۵۱	۰/۳۳۴۷	۰/۳۲۲۷	اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای با مکانیسم نظارت ضعیف
۱/۰۹۳۰	۰/۰۰۶۷	۰/۱۰۱۴	۰/۲۸۵۱	۰/۵۳۸۴	۰/۳۹۴۱	۰/۳۸۷۲	اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای با قدرت مدیرعامل یا مدیر اجرایی
۱/۰۹۶۰	-۰/۰۲۴۸	۰/۱۰۰۹	۰/۲۷۰۴	۰/۵۲۹۴	۰/۴۷۰۴	۰/۴۶۰۲	اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای با عملکرد ضعیف مسئولیت اجتماعی
۱/۰۹	۰/۳۳	۰/۳۸	۰/۱۷	۰/۴۸	۰/۳۳	۰/۳۷	نرخ موثر مالیات

کشیدگی	چولگی	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	میانه	میانگین	
۱/۰۱۱۱	۰/۱۰۵۶	۰/۴۹۹۵	۰/۲۲۳	۰/۲۵۶	۰/۴۶۸۵	۰/۴۴۴۵	وجه نقد
۱/۲۳۳۵	۰/۰۶۲۳	۰/۱۱۳۳	۰/۲۳۵۱	۰/۲۲	۰/۳۸۲۱	۰/۳۳۲۳	بازده دارایی ها
۱/۰۲۸	۰/۰۶۲۱	۰/۵۰۱	۰/۱۲۵	۰/۱۵۳	۰/۴۹۱۲	۰/۴۶۲۱	اندازه شرکت
۱/۰۰۰۹	-۰/۰۳۱۲	۰/۵۰۰۱	۰/۲۳۰۱	۰/۵۱۲	۰/۵۳۸۷	۰/۵۰۷۸	اهرم مالی
۱/۰۰۰۱	۰/۰۱۱	۰/۵۰۰	۰/۳۲۵	۰/۶۲۱	۰/۵۰۰۲	۰/۴۹۷۰	رشد شرکت

منبع: خروجی نرم افزار

مشاهده می شود مقادیر میانه و میانگین در اکثر موارد به هم نزدیک می باشد که نشان دهنده توزیع نامتقارن داده ها می باشد. همچنین میزان چولگی بدست آمده برای تمامی مقادیر به جز اجتناب مالیاتی شرکتهای با عملکرد ضعیف مسئولیت اجتماعی و اهرم مالی، مثبت می باشد که نشان دهنده توزیع نامتقارن داده ها به سمت مقادیر مثبت و یا چولگی مثبت هستند؛ و برای دو متغیر نام برده، نشان دهنده توزیع نامتقارن داده ها به سمت مقادیر منفی و یا چولگی منفی می باشند.

آزمون همبستگی پیرسون

جدول ۴- نتیجه آزمون همبستگی بین متغیرهای مدل

Correlation Probability	Y1	X1	X2	X3	X4	X5	X6	X7	X8	X9	X10
Y1	1.000000 ----										
X1	0.130922 0.0000	1.000000 ----									
X2	0.138352 0.0000	0.075162 0.0161	1.000000 ----								
X3	0.038947 0.2130	0.002922 0.9256	0.037299 0.2330	1.000000 ----							
X4	0.103530 0.0009	0.054660 0.0804	0.003713 0.9055	0.025753 0.4104	1.000000 ----						
X5	-0.028106 0.3689	0.002936 0.9252	-0.024548 0.4326	-0.001221 0.9689	0.050369 0.1072	1.000000 ----					
X6	0.011993 0.7015	0.003256 0.9171	0.013058 0.6764	0.026901 0.3898	-0.025353 0.4177	-0.013288 0.6710	1.000000 ----				
X7	-0.032529 0.2984	0.008134 0.7949	0.002673 0.9319	0.007435 0.8122	-0.029328 0.3485	-0.028941 0.3549	0.026508 0.3968	1.000000 ----			
X8	0.025635 0.4125	-0.059974 0.0550	0.061920 0.0476	0.035095 0.2619	0.009602 0.7589	-0.079374 0.0111	-0.009313 0.7660	-0.009313 0.7660	1.000000 ----		
X9	0.059683 0.0562	0.016856 0.5900	0.037878 0.2259	0.013055 0.6765	0.022518 0.4717	0.010192 0.7446	0.006960 0.8240	0.010870 0.7283	0.006321 0.8399	1.000000 ----	

منبع: خروجی نرم افزار

در جدول بالا میزان همبستگی در سطر اول و معنی داری همبستگی در سطر دوم نوشته شده است. در صورتی که معنی داری کمتر از ۰/۰۵ باشد همبستگی مورد نظر از نظر آماری معنی دار است. همانگونه که ملاحظه میشود در برخی موارد

همبستگی ها معنی دار میباشند اما شدت همبستگی ها بین متغیرهای مستقل کمتر از مقداری است که احتمال وجود همخطی در مدل وجود داشته باشد.

بررسی مدل با استفاده از آزمون های چاو و هاسمن

جدول ۵- نتیجه آزمون چاو

نتیجه	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره آزمون	مدل رگرسیونی
استفاده از مدل پانل دیتا	۰/۰۰۰	(۱۲۷, ۸۸۶)	۲/۱۵	

منبع: خروجی نرم افزار

ملاحظه می شود سطح معناداری آزمون چاو بیش از $\alpha=0/05$ محاسبه شده لذا با اطمینان ۹۵٪ امکان برآورد مدل با استفاده از روش پانل تأیید می شود. با توجه به اینکه فرض صفر آزمون چاو مبنی بر برابری عرض از مبدأها رد شد، در ادامه به منظور تشخیص وجود اثرات ثابت یا وجود اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می شود

جدول ۶- نتایج آزمون هاسمن

نتیجه	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره آزمون	مدل رگرسیونی
اثرات ثابت	۱/۰۰۰	۱۰	۰/۰۰۰	

منبع: خروجی نرم افزار

برای رد فرضیه صفر و تایید استفاده از اثرات ثابت میبایست سطح معنی داری کمتر از ۱/۰۰۰ باشد؛ بنابراین باید از اثرات ثابت استفاده کرد

آزمون فرضیه ها

همانطور که در این جدول مشاهده می شود، نتایج بدست آمده از تخمین الگوی رگرسیونی مربوط به فرضیه اصلی نشان از تأیید تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی شرکت ها با توجه به نرخ موثر مالیات دارد.

جدول ۷- نتایج برازش مدل رگرسیونی

متغیر پاسخ = ایجاد قدرت طلبی مدیریتی			
سطح معناداری	آماره آزمون t	ضرایب رگرسیونی	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۰	۲۲/۸۸۷	۰/۰۷۷۶	ثابت معادله (α)
۰/۰۰۰	۲۰/۵۲۴۳	۰/۰۹۲۲	اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای با حکمرانی ضعیف
۰/۰۰۰	۱۹/۶۹۶۰	۰/۰۹۰۰	اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای با مکانیسم نظارت ضعیف

۰/۰۰۰	۱۷/۲۰۹۱	۰/۰۸۰۶	اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای با قدرت مدیرعامل یا مدیر اجرایی
۰/۰۰۰	۱۸/۴۵۴۹	۰/۰۸۸۱	اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای با عملکرد ضعیف مسئولیت اجتماعی
۰/۰۰۰	۱۲/۲۱۵۶	۰/۰۵۱۴	نرخ موثر مالیات
۰/۰۰۰	۸۱/۹۴۰۴	۰/۰۷۶۶	وجه نقد
۰/۰۰۰	۸۲/۲۴۷۸	۰/۰۷۸۰	بازده دارایی ها
۰/۰۰۰	۷۶/۸۲۲۰	۰/۰۷۴۶	اندازه شرکت
۰/۰۰۰	۸۱/۹۳۷۷	۰/۰۷۸۴	اهرم مالی
۰/۰۰۰	۸۲/۴۰۴۸	۰/۰۷۸۰	رشد شرکت
			آماره آزمون $F = ۳۴۷/۶۰ =$ سطح معناداری $= ۰/۰۰۰$
			آماره دوربین واتسون: $۲/۱۱$ ضریب تعیین $= ۰/۸۸$

منبع: خروجی نرم افزار

با توجه به جدول فوق که تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی با توجه به نرخ موثر مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد سنجش قرار گرفته است؛ با توجه به سطح معناداری و آماره دوربین واتسون که $۲/۱۱$ شده و این عدد بین $۱/۵$ و $۲/۵$ قرار دارد؛ از دو شرط لازم برای تأیید فرضیه می باشند، مشخص شد که فرضیه فوق با احتمال بیش از ۹۸ درصد مورد تأیید قرار می گیرد. همچنین، آماره F و ضریب تعیین نیز در تأیید این فرضیه نقش دارد.

نتایج آزمون جاک برا

جدول ۸. نتایج آزمون جاک برا

پسماند مدل	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
رگرسیون	۳۹/۹۴	۰/۰۰۰	نرمال نبودن توزیع پسماند مدل

منبع: خروجی نرم افزار

ملاحظه می شود سطح معناداری آزمون جاک برا کمتر از $\alpha = ۰/۰۵$ محاسبه شده لذا با اطمینان ۹۵٪ توزیع پسماندها نرمال نمیباشد.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به نتایج بدست آمده از تحلیل فرضیه ها، می توان گفت که اثرگذاری اجتناب از پرداخت مالیات بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی با توجه به نرخ موثر مالیات شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد تأیید قرار

گرفت. بر اساس تجزیه و تحلیل آماری مشخص شد که اجتناب مالیاتی با توجه به شاخص های خود (شرکت های با حکمرانی ضعیف، با مکانیسم ضعیف، با قدرت مدیرعامل یا مدیر اجرایی و عملکرد ضعیف مسئولیت اجتماعی) می تواند باعث ایجاد قدرت طلبی مدیریتی گردد؛ به طوری که این اثرگذاری به صورت مثبت و مستقیم می باشد. اجتناب مالیاتی می تواند اثر مثبت و مستقیم بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی در شرکتهایی که دارای با حکمرانی ضعیف، با مکانیسم ضعیف، با قدرت مدیرعامل یا مدیر اجرایی و عملکرد ضعیف مسئولیت اجتماعی هستند، داشته باشد. به عبارتی دیگر مدیران شرکتهای فوق الذکر با اجتناب از پرداخت مالیات و کاهش هزینه های شرکت می توانند موجب قدرت طلبی در کوتاه مدت شوند ولی در بلندمدت به دلیل اینکه عدم پرداخت مالیات و شاخص نرخ موثر مالیات باعث می شود مودیان مالیاتی پیگیری نمایند و مدیران را موظف به پرداخت مالیاتی نمایند و یا اینکه با جرائم احتمالی رو به رو شوند، با قدرت طلبی مدیریتی اثری معکوس داشته باشد.

نتایج فرضیه اصلی پژوهش حاکی از آن است که تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی با توجه به نرخ موثر مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأیید شد و فرضیه اصلی پذیرفته شد؛ بنابراین اجتناب مالیاتی می تواند بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی تأثیرگذار باشد به طوری که این اثرگذاری در کوتاه مدت مثبت و مستقیم می باشد؛ با این وجود، اجتناب مالیاتی در شرکت های با حکمرانی ضعیف، با مکانیسم ضعیف، با قدرت مدیرعامل یا مدیر اجرایی و عملکرد ضعیف مسئولیت اجتماعی نیز می تواند در اثرگذاری ایجاد قدرت طلبی مدیریتی با توجه به نرخ موثر مالیات نقش داشته باشد و باعث تشدید آن گردد؛ به عبارتی دیگر، در شرکتهایی که اجتناب مالیاتی انجام می دهند، می توانند موجب ایجاد قدرت طلبی مدیریتی در کوتاه مدت شوند. این نتایج با پژوهش سیدشمس و همکاران (۲۰۲۳)، گونزالس و همکاران (۲۰۲۲)، قادرزاده و علوی (۱۴۰۲)، هم راستا و سازگار می باشد.

نتایج فرضیه فرعی اول پژوهش حاکی از آن است که تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت های با حکمرانی ضعیف بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی با توجه به نرخ موثر مالیات در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأیید شد و فرضیه ویژه اول پذیرفته شد؛ بنابراین اجتناب مالیاتی شرکت های با حکمرانی ضعیف می تواند بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی با توجه به نرخ موثر مالیات تأثیر مثبت داشته باشد به طوری که با بررسی شرکتهای با حکمرانی ضعیف مشخص شد که مدیران به اجتناب از پرداخت مالیات علاقه نشان میدهند که می تواند باعث ایجاد قدرت طلبی مدیریتی در کوتاه مدت شود اما در بلندمدت ممکن است اثر معکوس داشته باشد. این نتایج با پژوهش سیدشمس و همکاران (۲۰۲۳)، چن و همکاران (۲۰۲۱)، سامانیان و همکاران (۱۴۰۱)، هم راستا و سازگار می باشد.

نتایج فرضیه فرعی دوم پژوهش حاکی از آن است که تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای با مکانیسم نظارت ضعیف بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی با توجه به نرخ موثر مالیات در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأیید شد و فرضیه ویژه دوم پذیرفته شد؛ بنابراین اجتناب مالیاتی شرکتهای با مکانیسم نظارت ضعیف می تواند بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی تأثیر مثبت و مستقیم داشته باشد به طوری که شرکت های دارای مکانیسم ضعیف نظارتی نیز

در کوتاه مدت اثری مثبت بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی با توجه به نرخ موثر مالیات دارد؛ چرا که مدیران شرکت که از نظارت کمتری برخوردارند تمایل به اجتناب از پرداخت مالیات دارند و با عدم پرداخت آن حس قدرت طلبی را در کوتاه مدت تجربه می کنند اما این احتمال وجود دارد که در بلند مدت اثری معکوس داشته باشد، چراکه ممکن است با رسیدگی و حسابرسی هزینه های مالیاتی به یکباره پرداخت نمایند. این نتایج با پژوهش سیدشمس و همکاران (۲۰۲۳)، هو (۲۰۲۰)، خدای پور و همکاران (۱۴۰۰)، هم راستا و سازگار می باشد.

نتایج فرضیه فرعی سوم پژوهش حاکی از آن است که تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت های با قدرت مدیرعامل یا مدیر اجرایی بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی با توجه به نرخ موثر مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأیید شد و فرضیه ویژه سوم پذیرفته شد؛ بنابراین اجتناب مالیاتی شرکت های با قدرت مدیرعامل یا مدیر اجرایی می تواند بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی با توجه به نرخ موثر مالیات تأثیر مثبت و مستقیم داشته باشد بر همین اساس شرکت هایی که دارای مدیرعامل یا مدیر اجرایی با قدرت باشد نیز در کوتاه مدت اثری مثبت بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی دارد؛ چرا که مدیرعامل یا مدیر اجرایی شرکت برای کاهش هزینه های خود و یا افزایش سود بیشتر تمایل به عدم پرداخت مالیات دارد که این اثر در کوتاه مدت باعث قدرت طلبی مدیریتی میشود اما این نتایج احتمالاً در بلندمدت اثری معکوس داشته باشد. این نتایج با پژوهش سیدشمس و همکاران (۲۰۲۳)، بالا کریشان و همکاران (۲۰۲۰)، بخردی نسب (۱۴۰۰)، هم راستا و سازگار می باشد.

نتایج فرضیه فرعی چهارم پژوهش حاکی از آن است که تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت های با عملکرد ضعیف مسئولیت اجتماعی بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی با توجه به نرخ موثر مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأیید شد و فرضیه ویژه چهارم پذیرفته شد؛ بنابراین اجتناب مالیاتی شرکت های با عملکرد ضعیف مسئولیت اجتماعی نیز می تواند بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی با توجه به نرخ موثر مالیات اثری مثبت و مستقیم داشته باشد؛ با این وجود شرکت هایی که دارای مسئولیت اجتماعی ضعیف هستند نیز در کوتاه مدت اثری مثبت بر قدرت طلبی مدیریتی ایجاد می کند؛ چرا که مدیران چنین شرکتی برای کاهش هزینه های خود و یا افزایش سود بیشتر تمایل به عدم پرداخت مالیات دارد که این اثر در کوتاه مدت ایجاد قدرت طلبی مدیریتی را به همراه دارد اما این نتایج در بلندمدت اثری معکوس ایجاد می کند. این نتایج با پژوهش سیدشمس و همکاران (۲۰۲۳)، کریناتو و لستاری (۲۰۲۰)، کرمی و همکاران (۱۴۰۰)، هم راستا و سازگار می باشد.

پیشنهادات کاربردی و برای محققان آتی

با توجه به نتایج فرضیه اصلی، می توان پیشنهاد نمود به سازمان بورس اوراق بهادار و مدیران شرکت ها، جهت ایجاد قدرت طلبی مدیریتی به شاخص های دیگری جز اجتناب پرداخت از مالیات مانند نرخ موثر مالیات توجه نمایند، چراکه عدم پرداخت مالیات ممکن است در کوتاه مدت اثری مثبت داشته باشد اما در بلندمدت منجر به پرداخت هزینه های اضافی یا جرائم دیگر شود. از این رو برای ایجاد قدرت طلبی مدیریت در بلندمدت می توان الگوهایی را مطرح نمود تا

مدیران برای استفاده از آن به نکات و موارد تنظیم شده توجه نمایند و یا اینکه اگر از اجتناب مالیاتی به عنوان کاهش هزینه استفاده می کنند، سعی نمایند آن را به صورت اقساط پرداخت نمایند تا مانع از پرداخت هزینه گزاف در یک زمان شوند.

با توجه به نتایج فرضیه فرعی اول، می توان پیشنهاد نمود به مدیران شرکت ها، جهت ایجاد قدرت طلبی مدیریتی، به اجتناب از پرداخت مالیات در شرکتهای دارای حکمرانی ضعیف و نرخ موثر مالیات شرکت توجه نمایند و باعث شود با مدیریت به موقع و استفاده از استراتژی های مربوطه میزان حکمرانی را قوی تر نمایند تا نیاز به اجتناب از پرداخت مالیات جهت کاهش هزینه های شرکت نداشته باشند و یا اینکه با رعایت مقررات تنظیم شده و برنامه ریزی های دقیق تر عملیات و فعالیت شرکت را طبق برنامه های از پیش تعیین شده انجام دهند تا باعث افزایش هزینه های مالیاتی نشوند.

با توجه به نتایج فرضیه فرعی دوم، می توان پیشنهاد نمود به مدیران شرکت ها، جهت قدرت طلبی مدیریتی، به اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای با مکانیسم نظارت ضعیف و نرخ موثر مالیات شرکت توجه نمایند و با مدیریت و نظارت در شرکت بتوانند فعالیت های شرکت را طوری تنظیم نمایند که با برنامه های از پیش تعیین شده شرکت مطابقت داشته باشد و با نظارت بیشتر و دقیق تر، مالیات را در زمان معین و به صورت اقساط پرداخت نمایند تا با اجتناب از پرداخت مالیات منجر به کاهش هزینه های شرکت نشوند. از این رو، شرکتهای برای نظارت بیشتر خود می توانند به صورت هفتگی یا ماهانه فعالیت های خود را مورد بررسی قرار دهند.

با توجه به نتایج فرضیه فرعی سوم، می توان پیشنهاد نمود به مدیران شرکت ها، جهت قدرت طلبی مدیریتی، به اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای با قدرت مدیرعامل یا مدیر اجرایی و نرخ موثر مالیات شرکت توجه نمایند؛ این گونه شرکت ها که دارای قدرت مدیرعامل می باشند نیز در کوتاه مدت به اجتناب از پرداخت مالیات روی می آورند اما ممکن است در بلندمدت با مشکلاتی مواجه شوند بنابراین برای رهایی از این مشکل می توانند الگوهای را طراحی نمایند و جهت کاهش هزینه های شرکت با برنامه هایی پیش بروند که بتوانند هزینه ها را به موقع پرداخت نمایند که مالیات نیز یکی از آنها می باشد.

با توجه به نتایج فرضیه فرعی چهارم، می توان پیشنهاد نمود به مدیران شرکتها، جهت قدرت طلبی مدیریتی، به اجتناب از پرداخت مالیات شرکتهای با عملکرد ضعیف مسئولیت اجتماعی و نرخ موثر مالیات شرکت توجه نمایند؛ شرکت های دارای مسئولیت اجتماعی ضعیف در برنامه ریزی ها و تصمیم گیری ها یا گزارشدهی نیز ضعیف عمل می کنند، بر همین اساس شرکت ها باید دارای بتوانند مسئولیت اجتماعی خود را افزایش دهند تا بدین وسیله برای پرداخت هزینه ها بخصوص مالیات با برنامه ریزی پیش بروند و یا اینکه با پرداخت به موقع آن بتوانند باعث کاهش هزینه های مالیاتی شوند و برای قدرت طلبی مدیریتی از دیگر شاخص ها استفاده نمایند.

با توجه به نتایج پژوهش می‌توان برای پژوهشگران آتی پیشنهاد نمود: در این مطالعه به بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر ایجاد قدرت طلبی مدیریتی با توجه به نرخ موثر مالیات پرداخته شده است؛ انتظار می‌رود دانشجویان آتی بتوانند با توجه به متغیرهای زیر نیز این پژوهش را انجام دهند.

- براساس مدیریت ریسک، مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی
- براساس توانایی مالی مدیران و رقابت بین آنها
- براساس تصمیمات سرمایه‌گذاری و کیفیت گزارشگری مالی
- براساس افشای مسئولیت پذیری اجتماعی، تمرکز مالکیت و ساختار آن، توسعه مالی
- براساس فرصت‌های رشد، ساختار سرمایه، ساز و کارهای نظام راهبری
- براساس نقش حسابرسی مستقل یا داخلی
- براساس هزینه سرمایه و حاکمیت شرکتی

یادداشتها:

1. Corporate social responsibility 2. Syed.Sh and etal
3. Rego, S.O., & Wilson, R 4. Chen and etal
5. Hope, O.-K., Thomas, W.B 6. Chen, K.-P., Chu, C.C
7. Atwood, T.J., Lewellen, C 8. Hanlon, M., & Heitzman, S
9. Desai, M.A., Dharmapala, D 10. Al-Dhamari, R.A., Ismail, K.N.I
11. Atwood and etal 12. Pasternak, M. & Rico, C
13. Ashton-James, C and etal 14. Wang and etal
15. Wilson, R. J 16. Francis and etal
17. Desai and etal 18. Bertrand, M. & Mullainathan, S
19. Edwards and etal 20. González and etal

منابع و مأخذ

- اقتداری، علی (۱۳۸۴). سازمان و مدیریت، تهران، نشر مولوی.
- بابایی زکلیلی، محمد (۱۳۸۶). رهبران و خلق فضای سازمانی متعالی، ماهنامه تدبیر، ۱۸(۱۸۶).
- خدای پور، احمد، رحیمی، علیرضا، فروغی، عارف (۱۴۰۰). بررسی تأثیر توانایی مدیریتی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و کارایی سرمایه‌گذاری، راهبرد مدیریت مالی، ۸(۳۱)، ۱۱۱-۱۳۴.
- سامانیان، علیرضا، بندریان، امیرعلی، مسیحی پور، کورش (۱۴۰۱). بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی، اجتناب مالیاتی و معاملات با اشخاص وابسته با ارزش شرکت: آزمون نظریه اقتصاد سیاسی در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۳(۳۵)، ۱۵-۳۲.

- سهرابی، نرگس (۱۳۸۸). رابطه بین منابع قدرت مدیر و انواع فرهنگ سازمانی در مدارس متوسط و راهنمایی شهرستان خمین. *مجله دانش و پژوهش در علوم تربیتی برنامه ریزی درسی*، ۲۱، ۷۹-۱۰۰.
- غلامی کیان، علیرضا، فقیه، محسن (۱۳۹۶). تأثیر اجتناب مالیاتی بر قدرت پیش بینی سود (مطالعه موردی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)، *پژوهشنامه مالیات*، ۳۳(۸۱)، ۲۲۷-۲۴۴.
- فروند، ژاله (۱۳۸۶). *جامعه شناسی ماکس وبر*، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران، نشر رایزن، چاپ دوم.
- قادرزاده، سید کریم، علوی، سیدمصطفی (۱۴۰۲). اجتناب مالیاتی: مسئولیت اجتماعی و نقش تعدیل گر مالکیت خانوادگی، *مجله دانش حسابداری*، ۱۲(۳)، ۱۱۱-۱۲۸.
- ناصر قراملکی، حبیب، بنی فاطمه، حسین، کوهی، کمال (۱۳۸۹). بررسی میزان قدرت طلبی مدیران پایه و میانی دانشگاه های دولتی شهر تبریز و عوامل مرتبط با آن، *مطالعات جامعه شناسی*، ۲(۸)، ۲۵-۴۲.
- نبوی، علی (۱۳۷۹). *فلسفه قدرت*، تهران، انتشارات سمت.

- Al-Dhamari, R.A., Ismail, K.N.I. (2013), " An Investigation into the Effect of Surplus Free Cash Flow, Corporate Governance, Firm Size on Earnings Predictability", *International Journal of Accounting and Information Management*, Vol. 22, No. 2, 118-133.
- Ashton-James, C & McCarthy, K & Dranca- Lacoban, A. (2011). Power and Destruction of Value in Mergers and Acquisitions. at *The Nature of the New Firm: Beyond the Boundaries of Organisations and Institutions. Edited by Killian Mccarthy, Maya Fiolet, Wilfred Dolfsma. Edward Elgar Publishing. At <http://books.google.com/books>.*
- Atwood, T.J., Lewellen, C., 2019. The complementarity between tax avoidance and manager diversion: evidence from tax haven firms. *Contemp. Account. Res.* 36 (1), 259–294.
- Atwood, T., Drake, M. S., & Myers, L. A. (2010). Book-tax Conformity, Earnings Persistence and the Association Between Earnings and Future Cash flows. *Journal of Accounting and Economics*, 50(1), 111-125.
- Bertrand, M. & Mullainathan, S. (2013). Enjoying the quiet life? Corporate governance and managerial preferences. *Journal of political Economy*, 111(5), pp.1043-1075.
- Chen, S., Chen, X., Cheng, Q., Shevlin, T., 2010. Are family firms more tax aggressive than non-family firms? *J. Finan. Econ.* 95 (1), 41–61.
- Chen, K.-P., Chu, C.C., 2005. Internal control versus external manipulation: A model of corporate income tax evasion. *RAND J. Econ.*, 151-164
- Chen, Y., Ge, R., Louis, H., Zolotoy, L. (2022). Stock liquidity and corporate tax avoidance. *Review of Accounting Studies*, 1-32.
- Desai, M.A., Dharmapala, D., 2006. Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *J. Finan. Econ.* 79 (1), 145–179.
- Desai, M. A. Dyck, A. & Zingales, L. (2007). Theft and taxes. *Journal of financial economics*, 84(3), pp.591-623.
- Desai, M.A., Dharmapala, D., 2009. Corporate tax avoidance and firm value. *Rev. Econ. Stat.* 91 (3), 537–546.
- Edwards, A. Schwab, C. & Shevlin, T. (2016). Financial constraints and cash tax savings. *The Accounting Review*, 91(3), pp.859-881.

- Francis, B.B., Sun, X., Qiang, W. (2015). Managerial ability and tax avoidance. *Working Paper*, Available at: www.ssrn.com.
- González, E.L., Ferrero, J.M Meca, E.G. (2022). Does corporate social responsibility affect tax avoidance: Evidence from family firms. *Corporate Social Responsibility and Environmental*, 26(4),819-831
- Hanlon, M., & Heitzman, S. (2010). A Review of Tax Research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2), 127-178.
- Hope, O.-K., Thomas, W.B., 2008. Managerial empire building and firm disclosure. *J. Account. Res.* 46 (3), 591–626.
- Pasternak, M. & Rico, C (2018), Tax Interpretation, Planning, and Avoidance: *Some Linguistic Analysis, Akron Tax Journal*.
- Rego, S.O., Wilson, R., 2012. Equity risk incentives and corporate tax aggressiveness. *J. Account. Res.* 50, 775-810.
- Syed.Sh, Sudipta. B, Abeyratna. G.(2023). Does corporate tax avoidance promote managerial empire building? *Journal of Contemporary Accounting and Economics* 18 (2022) 100293.
- Wang, D & Xue, H & Xu, J. (2009). “The Mechanism of Leadership Styles Affecting Team Innovation in the PRC”. Zhejiang University.
- Wilson, R. J. (2009). An examination of corporate tax shelter participants. *The Accounting Review*, 84(3), pp.969-999.

An Investigating the amount of payment based on the power of the managers, considering the growth of the cost calculation rate in companies with weak judgment and supervision

Majid Balouchi ^{*1}

Abstract

According to the study of Seyedshams and his colleagues in 2023, some company managers are under the impression that by avoiding paying taxes, they can create managerial power-seeking; But there is a possibility that they are unaware of the long-term performance of its results, and according to their point of view, they consider power seeking to avoid paying taxes, which is different in different companies according to the growth of the effective tax rate; Seyedshams and his colleagues have addressed the above issue, therefore, an effort is made to evaluate their assumptions in this study as well. In order to analyze the hypotheses of the research, the statistical population was selected from the years 2017 to 2022 and for 6 years, and they included listed companies, and the statistical sample was selected using the elimination method, with the number of 128 companies. The research method used is a descriptive-analytical method, and historical research data was collected and classified by referring to financial statements and reports of companies admitted to the Tehran Stock Exchange. The panel data method was used to analyze the statistical data; And in the analysis section, descriptive and inferential statistics and various related tests were performed and data analysis was done using Eviews version 9 software. According to the analysis of the regression model, the results of the analysis show that the main hypothesis was confirmed and it was found that avoiding paying taxes has a positive and significant effect on the creation of managerial power with regard to the growth of the effective tax rate in companies listed on the Tehran Stock Exchange. has it; Therefore, company managers should pay attention to tax avoidance in the short term in order to create managerial power and this effect is more visible in companies with weak governance, with a weak supervisory mechanism, with the power of the CEO or executive director, and companies with weak social responsibility because They tend to avoid taxes in order to seek power.

Keywords

Tax avoidance, managerial power seeking, weak governance, regulatory mechanism, weak social responsibility, effective tax rate

1* Corresponding author: Master of Accounting student, Islamic Azad University, Lamard, Iran (Baloochi.majid@gmail.com)